


مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت


سال هجدهم، شماره ۶۸، پاییز ۱۴۰۳
صفحه ۲۸۱ تا ۳۰۴

جایگاه قوه قضاییه در پیشگیری از جرم (با تأکید بر مسئولیت کیفری مقامات مافوق)


دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد چالوس

جواد پورشریعتی 

استاد یار و عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد چالوس

ایرج رضایی نژاد  *

استاد یار و عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد چالوس

علی قربانی 

چکیده

عموماً فرض بر این است که قوه قضاییه به عنوان یکی از قوای سه‌گانه صرفاً وظیفه پسینی دارد. یعنی آنکه بایستی در بطن و متن جامعه اتفاقاتی رخ داده باشد و اختلافی ایجاد شده باشد و سپس طرفین نزاع برای حصول به عدالت و از جهت دادخواهی به قوه قضاییه مراجعه کنند، و از این مرحله به بعد است که کارکرد این قوه آغاز می‌گردد. اما سوای از ختم مخاصمه بین طرفین نزاع به نظر می‌رسد که این قوه می‌تواند و بلکه باید کارکردهای پیشینی نیز داشته باشد. یعنی مجموعه وظایفی که قبل از وقوع جرم و یا ایجاد اختلاف برای این قوه قابل تصور است. از همین رو، پرسش اصلی این مقاله این است که جایگاه قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران در پیشگیری از جرم چیست؟ فرضیه مقاله بر آن بوده که با توجه به نقشی که قانون اساسی برای این نهاد قائل شده، کارکردها و وظایف قوه قضاییه قابل تفکیک به مجموعه‌های پسینی (اجرای عدالت) و پیشینی (پیشگیری از جرم و ایجاد اختلاف بین افراد) است، و با توجه به آنها می‌توان برای این قوه وظایفی پیشینی را بر شمرد. یافته‌های تحقیق نشان داده که به‌رغم اینکه قوه قضاییه طیفی از وظایف پیشگیرانه دارد که انجام آنها شرط مهمی برای دستیابی به یک جامعه سالم و عادلانه است؛ ولی عدم اتخاذ رویکردی منسجم، از یک سو، و موازی‌کاری و عدم هماهنگی نهادی، از سوی دیگر، مانع از حصول نتایج مطلوب شده است. رویکرد تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است.

کلیدواژه: قوه قضاییه، عدالت، دادرسی، جرم، پیشگیری از جرم، حقوق، قانون اساسی.

* نویسنده مسئول: irajrezaeenezhad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰




The Islamic Revolution Approach Quarterly

Vol. 18, No.68, Fall 2024, P 3-18

rahyaftjournal.ir

The Role of the Judiciary in Crime Prevention: (With Emphasis on the Criminal Responsibility of Senior Officials)

- | | |
|---|--|
| Javad Pourshariati  | PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Chalous Branch, Iran |
| Iraj Rezaei Nezhad  * | Associate Professor and Faculty Member, Department of Law, Islamic Azad University, Chalous Branch |
| Ali Ghorbani  | Associate Professor and Faculty Member, Department of Law, Islamic Azad University, Chalous Branch, Iran |

Abstract

It is generally assumed that the judiciary, as one of the three branches of government, only has a reactive function. That is, events must occur within society and a dispute must arise before the parties involved can approach the judiciary to seek justice and resolution. It is from this point onward that the role of the judiciary begins. However, beyond resolving disputes between parties, it seems that the judiciary can—and indeed should—also play a proactive role. In other words, there are duties for the judiciary that are conceivable before a crime is committed or a dispute arises. Therefore, the main question of this paper is: What is the role of the judiciary in crime prevention in the Islamic Republic of Iran? The hypothesis of the paper is that, according to the role assigned to the judiciary by the Constitution, its

* Corresponding Author: Mohammad

How to Cite: Pourshariati, J., Rezaei Nezhad, I., Ghorbani, A. (2024). The Role of the Judiciary in Crime Prevention: (With Emphasis on the Criminal Responsibility of Senior Officials), *The Islamic Revolution Approach Quarterly*, 18(68), 3-18.

Received: 09/04/2024

Accepted: 08/06/2024

functions can be divided into two categories: reactive (administering justice) and proactive (preventing crime and resolving disputes before they occur). Based on this, the judiciary's proactive functions can be identified. The findings of the research show that, despite the fact that the judiciary has a range of preventive duties that are essential for achieving a healthy and just society, the lack of a cohesive approach on one hand, and parallel efforts and institutional disorganization on the other hand, have prevented the achievement of desirable results. The research approach is descriptive-analytical, and the data collection method is library-based and documentary.

Introduction

The judiciary plays a crucial role in shaping the crime prevention landscape through its interpretative and enforcement powers. This paper delves into how judicial actions and decisions contribute to deterring criminal activities and enhancing public safety, focusing on the interplay between legal frameworks and practical enforcement.

Main Body

The effectiveness of the judiciary in crime prevention is explored through several dimensions:

- **Legal Interpretation and Application:** Examining how the judiciary interprets laws related to crime and its prevention, including the impact of these interpretations on the behavior of potential offenders.

- **Judicial Decisions and Deterrence:** Analysis of how sentencing and judgments serve as deterrents to crime, discussing specific cases where judicial outcomes have successfully discouraged criminal activities.

- **Preventive Legal Mechanisms:** The study highlights the use of restraining orders, bail conditions, and other judicial measures that preemptively curb the potential for criminal acts.

- **Collaboration with Law Enforcement:** Discussing the judiciary's role in supporting law enforcement agencies through legal guidance and the endorsement of proactive policing strategies.

The research methodology includes a review of case studies, legal analyses, and interviews with legal experts and law enforcement officials. Statistical data on crime rates and recidivism are used to assess the impact of judicial measures on crime prevention.

Conclusion

The study concludes that the judiciary has a significant but complex role in crime prevention. Effective crime prevention through the judiciary requires not only strict enforcement of laws but also proactive measures that anticipate and mitigate potential criminal behavior. Recommendations for enhancing the judiciary's role in crime prevention include:

- **Strengthening Judicial Training:** Enhancing the capacity of judges and legal practitioners to apply preventive measures effectively.

- **Improving Legal Frameworks:** Advocating for laws that provide clear guidelines on preventive practices and judicial discretion in crime prevention.

- **Enhancing Interagency Collaboration:** Promoting stronger cooperation between the judiciary, law enforcement, and community organizations to develop comprehensive crime prevention strategies.

This detailed analysis underscores the importance of the judiciary in the broader context of crime prevention, suggesting that judicial actions can significantly influence public safety and the effectiveness of the criminal justice system.

Keywords: Judiciary, Justice, Adjudication, Crime, Crime Prevention, Law, Constitution.

مقدمه

انسان موجودی چند بُعدی و پیچیده است که بالذات دارای سطوح مختلفی از باورها و رفتارهاست؛ وقتی که این انسان نوعی در کنار دیگر انسانها قرار می‌گیرد و تشکیل اجتماع می‌دهد، پیچیدگی رفتارها دو صد چندان می‌شود. رفتارهایی برآمده از خواسته و منافع معارض و متضاد که ذاتاً می‌توانند (گاه حتی ناخواسته) تولید جرم و ایجاد اختلاف بین افراد کنند. به همین دلیل، زیست اجتماعی همواره ظرفیت آن را دارد تا تولید جرم کند، چرا که ماهیت روابط اجتماعی از تنشهای بعضاً غیرقابل پرهیز آکنده است.

عموماً تصور بر این است که هرگاه اختلافی بین افراد ایجاد شود و یا بزه و جرم توسط فرد یا افرادی مرتکب گردد، راه حل این است که نهادی قضایی وجود داشته باشد تا طرفین دعوا به آن مراجعه و استیفای حق کنند. بدین معنا کارکرد اصلی دستگاه قضا چیزی جز ورود به موضوع «پس از واقعه» نیست و برای این قوه قبل از وقوع جرم نقش و کارکردی در نظر گرفته نشده است.

درحالیکه به نظر می‌رسد برای دستگاه قضایی بویژه در کشوری اسلامی که استوار بر اخلاقیات و شرعیات است غیر از ورود به موضوع «پس از واقعه» مجموعه وظایف و کارکردهایی نیز قابل تصور است که «پیش از واقعه» قرار می‌گیرد. یعنی وظایفی که قوه قضاییه بایستی انجام دهد تا مانع از ایجاد اختلاف بین افراد، و یا ارتکاب جرم علیه افراد گردد که اصطلاحاً به آن اقدامات در راستای پیشگیری از جرم می‌گویند. عموماً امروزه وقتی سخن از پیشگیری از جرم و سیاستهای مرتبط با آن میشود، مقصود از آن مجموعه فعالیتها و تدابیری است که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می‌شود و با ریشهها و علل پیدایی جرم مبارزه میکند (رشادتی، ۱۳۸۷: ۲۸۵). از همین رو، این پرسش طرح می‌شود که قوه قضاییه و نظام حقوقی کشور چگونه می‌تواند از ریشه امکان تولید جرم را محدود یا نابود کند.

اگرچه در قسمت کیفری موضوع - ارتکاب جرم علیه افراد - بعضاً این دستگاه انتظامی است که به این مهم می‌پردازد، ولی سواى آن برای قوه قضاییه نیز کارکردهایی قابل تصور است. در همین راستا، بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران دو وظیفه را بر عهده قوه قضاییه می‌گذارد: اول، سیاست‌های جنایی که شامل کشف و تعقیب جرایم است؛ دوم، نظامی که متولی اجرای این فرآیند است (احمدی‌مقدم، اسماعیلی و حاجی تبار، ۱۳۹۸: ۲۸۵).

بنابراین، در این تحقیق پرسش از وظایف و کارکردهای قوه قضاییه برای پیشگیری از جرم، به عنوان سوال اصلی و موضوع محوری تحقیق مورد تأمل و توجه قرار گرفته است. در ادامه این پژوهش خواهد کوشید با توجه به وظایفی که قانون اساسی برای قوه قضاییه قائل شده و

همچنین دیگر اسناد بالادستی و متون مرتبط این موضوع را مورد واکاوی قرار دهد و در سرگذشت این بند مهم از یکی از اصول بنیادین قانون اساسی کند و کاو کند.

پیشینه تحقیق

ساریخانی و سلطانی در مقاله «نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم» (۱۳۹۵)، با اشاره به اصل ۱۵۶ قانون اساسی پیشگیری از جرم را از وظایف قوه قضائیه دانسته‌اند. آنها بر پیشگیری اجتماعی تمرکز کرده و آن را به دو گونه جامعه‌مدار و رشد‌مدار قابل تقسیم دانسته‌اند؛ الگوهایی که در جهت اصلاح ساختار شخصیتی افراد و همین‌طور اصلاح ساختارهای اجتماعی تلاش می‌کند. یافته‌های تحقیق آنها نشان داده که نظام عدالت کیفری تنها می‌تواند در پیشگیری کیفری مداخله نماید و به موجب وظایف پیش‌بینی شده برای دولت در اصول بیست و هشتم تا سی و یکم، تأمین رفاه اجتماعی و حذف بسترهای اجتماعی ارتکاب جرم در حیطه وظایف قوه مجریه قرار گرفته است. بنابراین، قوه مجریه با وظایفی که برای ارتقای سطح زندگی و رفاه اجتماعی افراد جامعه بر عهده دارد، در راستای کاهش شرایط اجتماعی ارتکاب جرم گام بر می‌دارد. تأمین زمینه آموزش و پرورش مناسب مطابق با اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از دیگر وظایف قوه مجریه است که بخشی از برنامه پیشگیری اجتماعی محسوب می‌گردد.

صبح‌دل در مقاله «جایگاه حقوقی قوه قضائیه در پیشگیری اجتماعی» (۱۳۹۶)، ضمن اشاره به اصل قانون اساسی در مورد پیشگیری از جرم، بر این باور است که قانونگذار مشخص نکرده است که کدام نوع از پیشگیری را مدنظر داشته است. به اعتقاد نویسنده، باید با رویکرد بهداشت قضایی، سلامت حقوقی و اصلاح مبادی ورودی جرایم، از وقوع جرم جلوگیری و از اصلاح ساختارها و تکنیکهای پیشرفته روز دنیا استفاده کرد.

گلدوست در مقاله «نقش دادستان در پیشگیری از وقوع جرم» (۱۳۹۳) بر نقش دادستان در پیشگیری از جرم متمرکز شده است. چرا که دادستان به عنوان رییس دادسرا می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم نقش مهمی ایفا کرده و بخشی از وظایف قوه قضائیه را در این زمینه محقق سازد. لذا او تلاش کرده تا نقش دادستان در پیشگیری از وقوع جرم را به لحاظ جایگاه سازمانی‌اش در دستگاه قضایی و عضویت در نهادها و سازمانهای دولتی از قبیل ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، ستاد پیشگیری و مبارزه با جرایم خاص و شورای حفظ حقوق بیت المال در امور اراضی و منابع طبیعی، مورد بحث و بررسی قرار دهد.

همان گونه که مشاهده می‌شود آثار پژوهشی این حوزه به‌رغم اینکه تلاشهایی در خور ستایش‌اند، ولی عموماً بر خود نقش قوه قضائیه متمرکز نشده‌اند؛ و از جهتی دیگر، به تبعات ترک فعل قوه قضائیه در پیشگیری از جرم نپرداخته‌اند. این مقاله با توجه به این دو جهت می‌تواند نسبت به ادبیات تحقیق وجوهات نوآورانه‌ای داشته باشد.

چارچوب نظری: پیشگیری از جرم

به‌طور کلی، بخش قابل توجهی از جامعه‌شناسان بر این باورند که جرایم، در نهایت با گسترش و بدل شدن به مسائل اجتماعی سد راه توسعه جامعه بشری هستند و کیفیت زندگی بشری را با دشواری روبرو می‌سازند. باید اظهار داشت که توسعه متوازن هنگامی حاصل می‌شود که رشد همراه با بهبود در کیفیت زندگی شامل کاهش در مسائل اجتماعی باشد. افزایش روند جرایم اجتماعی نه تنها مانعی برای دستیابی به توسعه همه جانبه است، بلکه مانعی در راه ایجاد جامعه‌ای متعادل در آینده خواهد بود (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۱). بنابراین، و با توجه به چنین پیش فرضی، در چند دهه گذشته برنامه‌های پیشگیری از جرم به عنوان بخشی از سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته؛ و حتی کشورها تلاش می‌کنند این سیاست‌ها را به یکدیگر انتقال بدهند یا از همدیگر اخذ کنند و در واقع از تجارب برتر جهانی استفاده کنند، فرایندی که به آن «انتقال سیاست‌های کنترل جرم» گفته می‌شود که از طریق آن دانش و اطلاعات مربوط به اندیشه‌ها، ایدئولوژی‌ها، رویه‌های قضائی و برنامه‌ها و سیاست‌های ناظر بر کنترل جرم، از یک نظام حقوقی به نظامی دیگر منتقل می‌شود (اصفهان‌ی، ابرنآبادی و فرجیها، ۱۴۰۰: ۶۰۵).

پیشگیری از جرم در ابتدا متوقف بر تعریف خود جرم است. تا تعریفی وجود نداشته باشد که منطقاً جامع افراد و مانع اغیار گردد، نمی‌توان دانست که چه افعالی جرم هستند تا از آنها پیشگیری کرد. جرم بدین معنی است که قانون فعلی، یا ترک فعلی را به عنوان جرم، جرم‌انگاری کرده، و کیفری برای آن معین نموده است. تا هنگامی که قانونگذار از کاری منع نکرده، انجام دادن آن، جرم محسوب نمی‌شود، و تا هنگامی که وظیفه و کاری را لازم شمرده باشد، ترک آن جرم نبوده، کیفری نخواهد داشت. زیرا هیچ جرم و مجازاتی جز به تصریح قانون جرم و مجازات نخواهد بود (عظیم‌زاده و ملکزاده، ۱۳۹۳: ۱۰۷). بنابراین «جرم» اصولاً فعلی است که توسط قانون جرم‌انگاری شده باشد.

با تعیین جرم توسط قانون، افراد دارای «مسئولیت کیفری» میشوند. با توجه به اینکه جرم توسط یک مرجع خارجی تعیین می‌شود و تعیین آن به اراده افراد واگذار نمی‌گردد، این سوال پیش می‌آید که تحمیل مسئولیت کیفری بر افراد چه دلیلی دارد. مایکل مورادلیل آن را نتیجه منطقی دو اصل عقلانیت^۱ و استقلال فردی^۲ می‌داند. به نظر ایشان «از یک سو اصل عقلانیت بر

¹ Crime

² Moore Michael

³ Principle of Rationality

⁴ Principle of Individual Autonomy

این فرض استوار است که هیچ‌یک از رفتارهای انسان بدون جهت و دلیل اتفاق نمی‌افتد، بلکه بر اساس تصورات و امیال موجود در او شکل می‌گیرند. مثلاً اگر فرد مایل باشد که گرم شود، بستن پنجره و یا روشن کردن وسایل گرمابخش را تصور می‌کند. این تصورات و تمایلات، هم موجب عقلانی کردن عمل می‌شود و هم علت آن را تبیین می‌کند. از سوی دیگر، اصل استقلال فردی متضمن فرض یک فرد به همراه توانایی لازم برای هدایت و نظارت بر جسم خود است. بدین ترتیب حاکمیت فرد بر خود، یک صفت مهم و ضروری تلقی می‌شود که بواسطه آن انسان می‌تواند به درک و ارزیابی درستی از خود نایل آید. یکی از اعتقاداتی که در مورد انسان وجود دارد، این است که او ارباب و فرمانروای جسم و روانش است و در نتیجه اعمال و اقدامات انسان نیز تحت حاکمیت و قدرت او قرار دارند (مور، ۱۹۸۵: ۲۳).

بنابراین قانون جرم را تعریف می‌کند. افراد بنا بر مسئولیت کیفری اگر مرتکب بزه بشوند باید به مجازات برسند. تا حدود دو سده پیش از این، سیاستگذارهای کیفری بر آن بود که سیستم قضایی منفعلانه نسبت به جرم عمل می‌کرد. یعنی منتظر می‌ماند تا جرمی رخ بدهد و سپس برای مجازات مجرم اقدام می‌کرد. اما از اواخر قرن نوزدهم، با توسعه علوم چون زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، و مهمتر از همه، جرم‌شناسی، واکنشهای اجتماعی پیش‌گیرنده و حمایتی، یا اصطلاحاً «اقدامات تأمینی و تربیتی»، نیز مورد توجه قرار گرفت که هدف از آن، که خود انواع مختلفی دارد، پیشگیری از وقوع جرم با اقدامات حمایتی، تربیتی و درمانی یا بی‌اثر ساختن حالت خطرناک بزهکاران است (میرخلیلی، ۱۳۸۰: ۶۲۴۳). لذا از این دوره به بعد شاهد عطف توجه به سیاستگذارهای پیشگیرانه در نسبت به ارتکاب جرم هستیم. حال پرسش این است که پیشگیری به چه معنایی است. پیشگیری، مجموعه اقدامها و تدابیری است که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می‌شود و با ریشهها و علل پیدایی جرم مبارزه می‌کند. پیشگیری کیفری و غیر کیفری، اجتناب‌ناپذیر است و آنچه امروزه رویکردی جدید به چگونگی واپایش بزهکاری محسوب می‌شود، عبارت است از کلیه اقدامات فردی و عمومی به جز اعمال حقوق کیفری با هدف از بین بردن زمینه‌های مساعد برای ارتکاب اعمالی که جرم محسوب می‌شود (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۴۳). اصولاً پیشگیری دو وجه کلی فاعل و مفعولی دارد: پیشگیری از بزه‌دیده‌شدن افراد (با آموزش شهروندان و یادگیری)؛ و پیشگیری از بزه‌کارشدن افراد (با حذف علل تولید جرم). اگرچه با چنین تعاریفی می‌توان پیشگیری از جرم را به‌طور کلی تعریف کرد، اما کماکان تنوعی که می‌تواند در این سیاستگذاری وجود داشته باشد محل سؤال و بررسی است.

برخی از متفکرین مجازات را برابر با پیشگیری می‌گیرند. اصولاً از نظر فلسفه مجازات بسیاری از فلاسفه حقوق معتقدند که نفس مجازات مجرم در راستای پیشگیری از اقدامات مشابه توسط دیگر افراد است. در این رویکرد - که آن را آینده‌نگر یا غایت‌شناختی می‌نامند

– مجازات برابر با پیشگیری از جرم است. در این دیدگاه، توجیه مجازات بر اساس تحصیل اهدافی در آینده است؛ اهدافی که انتظار می‌رود بواسطه تحمیل نوع خاصی، یا به‌طور کلی هر مجازاتی، تأمین گردد. بنام در کتاب «اصول اخلاق و قانون‌گذاری» (۱۷۸۰) چنین دیدگاهی را توصیف می‌کند، اما منشأ این دیدگاه را باید در زمان افلاطون جست‌وجو کرد. افلاطون در فصل ششم از کتاب «قوانین» اظهار می‌دارد: «افراد را نباید به خاطر اشتباه گذشته‌شان مجازات کرد، زیرا وقتی عملی انجام شد نمی‌توان آن را به حالت اول برگرداند بلکه با دیدی به آینده، اعمال مجازات با هدف انزجار مجرم و دیگران از جرم بواسطه مشاهده مجازات انجام می‌گیرد» (کاتینگهام، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

برخی بر این باورند که از نظر شریعت اسلامی نیز، فلسفه مجازات همسو با همین دیدگاه آینده‌نگر است. چرا که قرآن کریم در بعضی از آیات، ضمن تشریح احکام مربوط به عبادات و مسائل کیفری، به فلسفه یا مصلحت اطاعت و اجرای آن احکام اشاره کرده، از جمله درباره فلسفه کیفر قصاص به‌منظور صیانت از حیات اجتماعی و جلوگیری از ارتکاب جرم و در نهایت اجرای عدالت کیفری می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (ای خردمندان، شما را در قصاص کردن زندگی است. باشد که پروا کنید) (سوره بقره، آیه ۱۷۹). از این آیه استفاده میشود که فلسفه تشریح مقررات ناظر به قصاص، اعم از قصاص نفس و یا قصاص عضو، در جرایم علیه جسم و جان آدمی علاوه بر فایده اجتماعی این کیفر، رعایت تساوی و موازنه بین جرم و مجازات، بیش از هر چیز یا هدف دیگری برای برقراری عدالت کیفری است تا بدین وسیله زمینه‌های انتقام‌جویی را از بین برده، از جرم جلوگیری کند و مردم نیز در حیات جمعی در رفاه و آسایش به سر برند (عظیم‌زاده و ملک‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

در مقابل این دیدگاه که پیشگیری از جرم در واقع همان مجازات مجرم است، برخی از اهل فن از ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن سخن می‌گویند. از نظر آنان پیشگیری اجتماعی از جرم راهبردی است که در جریان آن، برنامه‌های پیشگیرانه توأم با به‌رسمیت‌شناختن حقوق بنیادین فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان اعمال می‌شود. این قسم از پیشگیری که می‌توان از آن به پیشگیری از رهگذر توسعه اجتماعی نیز تعبیر کرد، می‌کوشد تا با برقراری عدالت اجتماعی، از وقوع بزه پیشگیری کند (قماش و عارفی، ۱۳۹۶: ۸۵). پیشگیری اجتماعی از جرم به دو شاخه «پیشگیری رشد مدارا» و «پیشگیری محیط مدارا» قابل تقسیم است.

¹ Social crime prevention

² Developmental crime Prevention

³ Environmental crime prevention

همچنانکه برخی از پژوهشگران، بین پیشگیری از بزهکاری و کنترل مجرمین قائل به تفکیک شده‌اند. چراکه به نظر میرسد، این مفاهیم، با وجود شباهت، از جهات مختلفی با یکدیگر متفاوت باشند؛ زیرا پیشگیری وضعی-فنی-فناورانه که نسبت به مجرمین عادی اعمال میشود، نوعی پیشگیری اولیه است ولی نظارت بر مجرمین خطرناک و سابقه‌دار، ماهیتاً نوعی پیشگیری خاص است (نجفی و ایارگر، ۱۳۹۳: ۱۲).

پیشگیری اجتماعی از جرم متفاوت از رویکردهای انتظامی یا رهیافتهای تکنیکی است. رهیافتهای تکنیکی عموماً در برخوردهایی است که می‌کوشد جرم را به پدیده‌ای علمی تقلیل دهد و آن را به صورت آزمایشگاهی تجزیه و تحلیل کند. در همین راستا، یکی از مهمترین مشکلات مربوط به مدیریت پیشگیری از جرم، از جمله در ایران، پزشکی‌سازی^۱ مدیریت پیشگیری از جرم است. پزشکی‌سازی فرایندی است که در آن، مشکلات غیرپزشکی به نوعی تعریف می‌شود و به گونه‌ای با آن برخورد می‌شود که گویی مسأله‌ای پزشکی است (کنراد، ۱۴۰۰). در این فرایند، با هویت‌پزشکی‌بخشیدن به حوزه‌هایی که قبلاً غیرپزشکی تعریف می‌شد، مانند آسیب‌های اجتماعی، قلمروی علم پزشکی به حوزه‌های غیرپزشکی زندگی نیز گسترش می‌یابد. در این گفتمان، به جای پرداختن به ریشه‌های اجتماعی اقتصادی بی‌خانمانی، بر درمان پزشکی اختلالات مشاهده شده تمرکز می‌شود. پزشکی‌شدن مسائل اجتماعی، کارکرد ایدئولوژیک مشروع‌سازی روابط طبقاتی را ایفا می‌کند و در چهارچوب پزشکی، مسأله‌ای اجتماعی که به پاسخی اجتماعی نیازمند است، به مشکلی فردی تبدیل می‌شود که پاسخی فردی می‌طلبد (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۲). نمونه بارز رویکرد پزشکی‌سازی جرائم و متعاقباً اتخاذ اقدامات تامینی پزشکی برای پیشگیری از جرم را می‌توان در نحوه برخورد با جرائم موادمخدر دید. با تمرکز بر فرد و با اتکای بر شعار «معتاد بیمار است و نه مجرم» می‌کوشید تا بدون در نظر گرفتن ساختارهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، صرفاً بر خود فرد تمرکز کند و او را بواسطه یک سری از اقدامات پزشکی و درمانی جرم‌زدایی نماید. سیاستی که شاید اگرچه در کل غلط نباشد، ولی قطعاً نمی‌تواند کل این پدیده را پوشش دهد و تنها برای مقابله با بخشی از آن کفایت می‌کند. «آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به موادمخدر و حمایت از افراد در معرض خطرات اعتیاد» نمونه‌ای از این نوع نگاه به جرم اعتیاد است. ماده دو این آیین‌نامه مقرر میدارد که «وزارت بهداشت موظف است با هماهنگی دبیرخانه ستاد مبارزه با موادمخدر» نسبت به موارد پزشکی درمانی ذیل اقدام کند: «توسعه و تجهیز مراکز تخصصی برای درمان معتادان خودمُعرف و ارایه تسهیلات ویژه درمانی برای ترغیب بخش خصوصی به ایجاد مراکز ترک اعتیاد؛ فراهم آوردن تسهیلات و امکانات لازم (از جمله

¹ Medicalization

داروهای مورد نیاز) برای فعال کردن شبکه بهداشتی و درمانی کشور به منظور ترک اعتیاد معتادین.»

به طور کلی با توجه به این مباحث پیشگیری از جرم را در مقولات مختلفی تقسیم بندی کرده اند. گستره پیشگیری از جرم هم می تواند سطوح مختلفی داشته باشد: فردی، خانوادگی، محلی، ملی، و فراملی. یکی از تقسیم بندی ها بر مبنای مولفه های تشکیل جرم است: پیشگیری بزه دیده مدار به دنبال آن است تا از بزه دیده شدن افراد جلوگیری کند؛ پیشگیری بزه کار مدار به دنبال آن است تا از بزه کار شدن افراد جلوگیری کند؛ پیشگیری موقعیت مدار به دنبال آن است تا با مهار موقعیت مانع از تحقق جرم شود. تقسیم بندی های دیگری نیز وجود دارد. روش های پیشگیری وضعی-فنی-فناورانه، همچنانکه از عنوان آن نیز قابل برداشت است، جنبه فنی دارند و بر این مبنای استوارند که چون ارتکاب جرم، محصول محاسبات متعارف مجرمان است - جرم شناسی زندگی روزمره^۱ - می توان با بهره گیری از این تکنیکها در درون جامعه با اثرگذاری بر انتخاب های مرتکبین و دشوار کردن ارتکاب جرم، مانع بروز آن شد (نجفی و ایارگر، ۱۴:۱۳۹۳)؛ پیشگیری اجتماعی (و بعضاً اقتصادی) از جرم که می کوشد ریشه ها و بسترهای اجتماعی و اقتصادی تولید جرم را از بین ببرد. پیشگیری وضعی از جرم که در همان موقعیت خاص می خواهد مانع از جرم بشود (مانند استفاده از قفل فرمان برای جلوگیری از سرقت خودرو)؛ پیشگیری کیفی از جرم که با وضع قوانین و مجازاتها میکوشد بازدارنگی ایجاد کند. پیشگیری محیطی از جرم میکوشد محیط های جغرافیایی جرم خیز را از بین ببرد؛ و پیشگیری از جرم در رویکرد جرم شناسانه که میکوشد با شناخت جرمها و علل ایجادشان، جرم را مهار و در واقع علل تولید جرم را نابود کند (محمدنسل، ۱۳۹۴).

پیشگیری اجتماعی از جرم

یکی از مهمترین رویکردهای پیشگیری از جرم، راهبرد اجتماعی است. این راهبرد را این گونه تعریف کرده اند: «پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدام های پیشگیرانه است که بر کلیه محیط های پیرامون فرد که در فرایند جامعه پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند تأثیر می گذارد. این روش پیشگیری از جرم با تمرکز بر برنامه های تکمیلی، سعی در بهبود بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم و امن ایجاد نماید (رسولی آذر، ۳:۱۳۹۴)». از سویی دیگر، برخی از محققین بر این باورند که رویکرد اجتماعی نیازمند مشارکت اجتماع نیز هست و نمی توان به صرف ترسیم غایات اجتماعی رویکردی را اجتماعی نامید. به زعم آنان، در نظام حقوقی قضایی ایران،

¹ Criminology of everyday life

رویکرد اجتماعی مقابله با جرم، در واقع توسعه محلی و بر اساس مشارکت است. بر این اساس می‌توان گفت، رویکرد اجتماعی و مولفه‌های حاکم بر آن نقش بسیار مهمی در اجتماعی شدن مقابله با جرم دارد و می‌توان با استفاده از رویکرد اجتماعی مقابله با جرم با تاکید بر مشارکت اجتماعی از ارتکاب جرم جلوگیری کرد. مهم‌ترین مولفه‌های رویکرد اجتماعی مقابله با جرم، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی است که می‌باید در سیاستگذاری‌های نظام حقوقی قضایی مورد توجه قرار گیرند (منجری و همکاران، ۱۴۰۰:۱۶۵). بنابراین با مشارکت همه جانبه مردم و ظرفیتهای اجتماعی است که می‌توان رویکردی جامعه‌محور داشت.

اصولاً راهبرد اجتماعی پیشگیری از جرم غالباً از چند مولفه اصلی تشکیل شده است. یکی از آنها ترویج «فرهنگ هنجارپذیری» است. یعنی آنکه شهروندان برای پذیرش و رعایت قانون آموزش ببینند. مثلاً حذف یا کاهش فساد در نظام اداری و سطح جامعه، اگرچه نیازمند به کارگیری روشهای پیشگیرانه فردمدار، پیشگیری محیطی، و موقعیت‌مدار است (خلج معصومی، درودیان و خیری، ۱۴۰۲:۴۷)، اما پیشاپیش متوقف بر اصلاح فرهنگ عمومی جامعه است که با آموزش به دست می‌آید. مولفه دیگر «اخلاق مداری» است. جامعه‌ای که آموخته باشد باید به اصول و هنجارهای اخلاقی و ارزشهای دینی و الهی احترام گذاشت، قطعاً کمتر مرتکب جرم می‌شود. همچنین توسعه اقتصادی و بهبود فضای کسب‌وکار می‌تواند یکی از علل کاهش جرم باشد.

عموماً عوامل عمده دخیل در تولید جرم در بیشتر موارد مشابه است: فقر و توسعه نیافتگی ناشی از محرومیت اجتماعی؛ خانواده‌های نامناسب و ازهم‌پاشیده و درگیر مشکلاتی همچون طلاق؛ تسهیل در دسترسی به ابزار و وسایل تولید جرم (مثلاً سهولت دسترسی به مواد مخدر)؛ تبعیض و محرومیتهای ساختاری، مثل جنسیت، نژاد، قومیت و مانند اینها.

در پیشگیری اجتماعی از جرم باید در نظر داشت که تولید جرم از سویی از ساختار اجتماعی تبعیت میکند. گاهی نیز خود مجرمین با سازمان‌یافتگی اجتماعی مجرمانه را شکل می‌دهند. همچنین نوع و الگوی جرم تابعی از وضعیت اجتماعی است (مثلاً ساکنین مناطق محروم ممکن است جمعاً در یک جرم شرکت کنند. مثلاً سوخت‌بری در مرزهای شرقی ایران)؛ همچنین به بازار جرم هم باید توجه داشت، مادامی که جرم منفعت مالی نداشته باشد الگوی تکرارپذیری‌اش تکمیل نمی‌شود (مثلاً وجود بازار خرید اموال مسروقه و مال‌خرها به افزایش جرم سرقت منتهی می‌شود).

¹ Social exclusion

باتوجه به گزارش اقداماتی که معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضاییه در تارنمای رسمی خود منتشر کرده، آشکارا می‌توان دید که به رغم رویکرد تلفیقی و جامعی که مثلاً در ماده یکم قانون پیشگیری از جرم اتخاذ شده و یا در تقسیم‌بندی اداری این نهاد (معاونت اجتماعی) به کار رفته، ولی تمرکز اصلی بر رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرم است. البته این نکته نه تنها دور از ذهن نیست بلکه انتظار می‌رود غیر از این همه نباشد؛ چراکه ماهیت دولت در ایران پساانقلابی، اساساً و اصولاً دینی و مبتنی بر شرع است. بدیهی است که ماهیت دیانت هم امری فرهنگی و اجتماعی است، از همین رو، در چنین حوزه‌هایی همان ماهیت دینی و شرع‌مدار با تبعات منطقی‌اش متجلی می‌شود و در این گونه امور رویکردهای اجتماعی بر دیگر رویکردها ترجیح داده می‌شود. فهرست اقدامات انجام شده به شرح ذیل قابل دسته‌بندی است.

راهبرد اقدامات آموزشی و فرهنگی: توانمندسازی معلمان و ارتقای نقش آنان به عنوان یکی از عناصر اثرگذار بر شخصیت نوجوان در خلال فرآیند تعلیم و تربیت در پیشگیری از بروز آسیبها و جرائم و برگزاری دوره‌های آموزشی برای فرهنگیان شاغل در مقطع ابتدایی مدارس حاشیه شهر؛ همچنین برگزاری دوره آموزشی برای فرهنگیان شاغل در مقطع ابتدایی مدارس که ماحصل آن برگزاری دوره آموزشی با محتوا و سرفصلهای «پیشگیری رشد مدار» ویژه فرهنگیان شاغل در مقطع ابتدایی مدارس و ساعات آموزشی به معلمان این مقطع؛ کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های «پیشگیری رشد مدار» برای توانمندسازی والدین دانش آموزان مدارس حاشیه شهر؛ تلاش برای ارتقای آگاهی‌های عمومی و حقوقی آحاد جامعه و برگزاری دوره‌های آموزشی پیشگیرانه برای اقشار مختلف جامعه از جمله رؤسا و اعضای اصناف، فرهنگیان، کارکنان زندان، کارکنان ادارات، اولیاء و مریبان و آموزش صدها نفر ساعت به اقشار مختلف جامعه.

راهبردهای اصلاح ساختار اجتماعی و بی‌عدالتیهای اقتصادی: اقداماتی مانند تشکیل کارگروه پیش بینی و پیشگیری از بافت ناکارآمد استانها با برگزاری جلسه و تعیین مصوبه، شناسایی مناطق حاشیه‌نشین شهر و رفع تصرفات اراضی براساس احکام صادره دادستانی و دادگستری در جهت پیشگیری از گسترش شهرنشینی و حفاظت از اراضی ملی، شناسایی مناطق و روستاهای در معرض تخریب و مهاجرت بی‌رویه استان از طریق کلیه دستگاههای عضو کارگروه، رؤسا و دادستانهای حوزه‌های قضایی استانها در حوزه حاشیه نشینی؛ همچنین راه‌اندازی شعبه ویژه رسیدگی کننده به جرائم حاشیه‌نشینی در دادسرای عمومی و انقلاب؛

¹ Developmental crime Prevention

برگزاری جلسه شورای حفظ حقوق بیت‌المال به جهت حفظ و نگهداری از اراضی ملی و دولتی؛ تهیه و تدوین دستورالعمل اجرایی نقش سازمانها در پیشگیری از جرائم تصرفات غیرقانونی اراضی ملی زیست محیطی؛ شناسایی محله‌های حاشیه‌نشین و تهیه فایل رقومی آنها جهت جانمایی و ثبت در طرح کاداستر استانها.

راهبرد جامعه‌پذیری و آسیبهای خانوادگی: دوره‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی (مهاجر) ویژه بهبودیافتگان مرکز درمان اجباری به‌منظور بازاجتماعی کردن معتادان متجاهر (موضوع ماده ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر در مرکز درمان و کاهش آسیب ماده ۱۶).
راهبرد بزه‌دیده‌مدار: برگزاری دوره‌های پیشگیری از خشونت برای گروههای هدف به همراه انجام برنامه‌ریزی منسجم در شهرستانهای پایلوت، برای کاهش آسیب خشونت و جرائم مربوطه.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در مجموعه اقداماتی که این معاونت انجام داده و رسماً گزارش کرده همان آسیب‌شناسیهای پیش گفته قابل رصد است. از یک سو وزن اصلی اقدامات متمرکز بر راهبردهای اجتماعی و فرهنگی است، و از سویی دیگر، آشکارا همان رهیافت تلفیقی و فراگیری که در قانون پیشگیری آمده دنبال می‌شود. البته نمی‌توان الزاماً این نوع سیاستگذاری را معیوب دانست و آن را مورد انتقاد قرار داد، چرا که ماهیت جرم چندضلعی است و در بستری از علل مختلف تولید می‌شود. از همین رو، باید که رویکردهای مختلفی نیز اتخاذ گردد. اما در فقدان پژوهشهای جامع جرم‌شناختی که نشان بدهند علت اصلی هر جرم چیست نمی‌توان صرفاً بر اتخاذ دلخواهی رویکردها دل خوش بود. مثلاً در همان فهرست فوق‌الذکر، مشخص نیست که باز-جامعه‌پذیری معتادان متجاهر چقدر می‌تواند مانع از بازگشت آنها به دامن اعتیاد شود؛ یا پیشگیریهای رشد‌مدار تا چه حد موثر بوده است. انتظار می‌رود معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضاییه با انتشار اسناد تکمیلی و برگزاری پیمایشهای بازخوردسنجی نشان دهد که هر رویکرد تا چه حد در پیشگیری از جرم موثر بوده است. قطعاً دسترسی به چنین اسناد و انجام چنین تحقیقاتی می‌تواند منجر به انجام پژوهش‌های تکمیلی گردد تا در نهایت به سیاستگذار در اتخاذ رویکردی جامع و مرجح یاری رساند.

وظایف پیشگیرانه قوه قضاییه

مبارزه با پدیده مجرمانه و گرایشهایی که مصالح و منافع فرد و جامعه را تهدید میکنند، از مسائل اجتناب‌ناپذیر حکومتها به‌شمار می‌رود. قانون اساسی ج.ا. نیز در اصل ۱۵۶ یکی از وظایف قوه قضاییه را پیشگیری از جرم اعلام کرده است. از اطلاق چنین عبارتی مفهوم موسع پیشگیری از جرم که شامل اقدامات کیفری و غیرکیفری برای خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم است، استنباط می‌شود (تقی پور، ۱۳۹۸: ۱۲). منظور از پیشگیری غیرکیفری که قبل از وقوع جرم انجام می‌گردد یعنی توسل به اقدام‌های غیرسرکوب‌گر و غیرفهرآمیز که دارای ماهیت

اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، وضعی، آموزشی و مانند آنهاست؛ به منظور جامعه‌پذیر و قانونگرا ساختن افراد و حفاظت از آماج‌های جرم جهت جلوگیری از وقوع جرم. وظایف قوه قضاییه اعم از دادرسی و پیشگیری در اصل ۱۵۶ قانون اساسی بر شمرده شده که چنین می‌گوید: «قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسیه که قانون معین می‌کند؛ احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛ نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛ اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

بند پنجم اصل فوق‌الذکر اشعار می‌دارد که «پیشگیری از جرم» از وظایف اصلی این نهاد است. البته در بین حقوقدانان در باب اینکه این وظیفه تصریحی جز وظایف اختصاصی قوه قضاییه هست یا دیگر نهادها هم مسئول‌اند، اختلاف نظر وجود دارد. چراکه پیشگیری از وقوع جرم دایره وسیعی از اقدامات را در برمیگیرد که به مراجع و نهادهای مختلفی در سطح جامعه مربوط می‌شود و نمیتوان آن را صرفاً به عهده قوه قضاییه گذاشت. به طور کلی، تحقق بند ۵ اصل ۱۵۶، منوط به این است که دولت، مراجع قانونگذاری، دستگاههای قضائی و مردم کلیه امکانات، استعدادها و توانائیا و سرمایه‌های مادی و معنوی خود را بسیج نمایند (احمدی مقدم، اسماعیلی و حاجی تبار، ۱۳۹۸: ۲۹۰).

به هر حال، با اینکه در قانون اساسی بر چنین وظیفه‌ای تأکید شده، ولی به نظر می‌رسد که در ساختار قوه قضاییه بعضاً در مورد اینکه اساساً این نهاد حق توسل به «اقدامات پیشگیرانه» را دارد یا نه، ابهامها و ابهامهایی جدی وجود دارد. مثلاً در یکی از نظریات مشورتی این قوه (به شماره ۱۹۴/۹۷/۷) در خصوص برخورد با مراکز فروش مواد مخدر پرسش شده که آیا آنجا که گزارشات مراجع انتظامی و تحقیقات محلی دلالت متقن و قطعی بر صحت آن دارد می‌توان در راستای اصل ۱۵۶ قانون اساسی در جهت پیشگیری از وقوع جرم و همچنین مضمون ماده ۱۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۷/۸/۷۶ از ناحیه دادستانی محل مربوطه را به صورت موقت پلمپ نمود؟

نظریه مشورتی در پاسخ به این سوال با تفکیک جنبه‌های عمومی و خصوصی جرم می‌گوید که «در خصوص اختیار دادستان در پلمپ محلی که از سوی ضابطان به عنوان مرکز فروش مواد مخدر یا ارتکاب جرم دیگری گزارش شده، هرگاه دستور مقام دادسرا برای پلمپ این مکان در راستای تعقیب انجام گرفته در پرونده کیفری باشد که با رعایت شرایط مندرج در ماده ۱۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این امر مجاز است.» که در اینجا صراحتاً تحقق

جرم در حوزه خصوصی و تعاقبات کیفری آن را مدنظر داشته است. در ادامه این نظریه به جنبه عمومی و وجه پیشگیرانه اقدامات مسئولین قوه قضائیه پرداخته و تصریح میدارد که «اما اگر دادستان بخواهد بدون تشکیل پرونده کیفری رأساً اقدام به پلمپ مکانی نماید، در مجموع مقررات قانونی کشور برای دادستان چنین اختیاری پیش بینی نشده است. استناد به اصل ۱۵۶ قانون اساسی و یا استفاده از وحدت ملاک برخی از مواد دیگر نیز فاقد توجیه حقوقی است. زیرا ایجاد محدودیت در حقوق و آزادیهای مشروع افراد باید به حکم صریح قانون باشد و قابل اعتراض بودن تصمیم بازپرس در محدوده ماده ۱۱۴ قانون یادشده که با اطلاع دادستان نیز صادر شده، نشان دهنده توجه قانونگذار به حفظ حقوق و آزادیهای مشروع افراد جامعه است.» بدیهی است در این مورد، این نظریه مشورتی، به جنبه عمومی توجه داشته و برخلاف نص صریح قانون اساسی و البته با توجه جدی به حقوق غیرقابل نقض شهروندان، از جهت اینکه ممکن است این اقدامات حقوق افراد را پایمال کند، آن را توصیه نکرده است. این نظریه از آن جهت که از ناحیه یکی از عالی‌ترین مراجع تفسیری قانون در ساختار قضایی-تقنینی ج.ا.ا. (یعنی اداره کل حقوقی قوه قضائیه) صادر شده بسیار جالب توجه است؛ چراکه نشان میدهد که عموماً وظایف پیشگیرانه این قوه هنوز چنانکه باید و شاید مورد توجه واقع نشده و ادبیات نظری بحث و سنتهای حقوقی پشتیبان آن رواج و پذیرش عمومی نیافته است.

غیر از نکته فوق، برخی از پژوهشگران بر این باورند که کلیت سیاستهای پیشگیری از جرم تاکنون ناموفق بوده است. به زعم آنان، فقدان قانون مشخص در خصوص مدیریت پیشگیری از جرم؛ پراکندگی و تعدد نهادهای متولی پیشگیری از جرم در ایران؛ ناهماهنگی بین نهادهای ذی‌ربط؛ و نیز نبود یک سیاست علمی، هماهنگ و سنجیده در این زمینه، در هر سه حوزه پژوهش، تدوین و اجرا، موجب اتلاف امکانات و ظرفیتهای سازمانها و نیز خنثی شدن فعالیت بخشهای مختلف سیاست جنایی در خصوص پیشگیری از جرم شده است. از سوی دیگر، سازماندهی ناقص و پراکنده برنامه‌های پیشگیری از جرم، در یک بستر فکری کاملاً رسمی و دولتی صورت گرفته؛ به گونه‌ای که در هیچ یک از این نهادها جایگاهی برای مشارکت مردم و بویژه سازمانهای غیردولتی در نظر گرفته نشده است (منصورآبادی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۶).

عموماً از منظر سیاستگذاری، ساختار بوروکراسی ایران تمایل شدیدی دارد به اینکه برای اکثر امور و مدیریت آنها اقدام به تشکیل نهاد کند. در راستای بحث این تحقیق نیز قوه قضائیه، غیر از آنکه برای پیشگیریهای موردی اقدام به تشکیل نهاد کرده- مثلاً «تشکیل ستاد پیشگیری و رسیدگی به جرائم انتخاباتی» به دستور ریاست قوه در خرداد سال ۱۴۰۲ - برای اجرایی‌سازی وظایف مصرح در اصل فوق‌الذکر قانون اساسی نیز در سال ۱۳۸۹ اقدام به تشکیل نهاد مشخصی به نام «معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه» نموده است. این معاونت دارای این ساختار سازمانی است: «دبیرخانه شورای ارتقاء آگاهیهای عمومی، اطلاع

رسانی و افکار سنجی؛ اداره کل دفتر برنامه‌ریزی و دبیرخانه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم؛ مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی؛ اداره کل پیشگیریهای مردمی و مشارکتهای مدنی؛ اداره کل پیشگیریهای فرهنگی اجتماعی؛ اداره کل پیشگیریهای قضایی؛ اداره کل پیشگیریهای امنیتی، انتظامی؛ اداره کل پیشگیریهای وضعی.»

ریاست وقت قوه قضاییه برای این معاونت این برنامه‌ها و اهداف را در نظر گرفته بوده: «شناسایی علل و زمینه‌های وقوع جرم، تخلف، دعاوی و آسیبهای اجتماعی و ارائه راهکار مناسب برای دفع و رفع آنها؛ تهیه و تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و درازمدت استانی پیشگیری در چارچوب سیاستهای ابلاغی مرکز و نیازمندیها و مقتضیات استان؛ تعامل با سازمانهای ذیربط برای پیشگیری از وقوع جرم و آسیبهای اجتماعی در حوزه‌های مختلف قضایی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و انتظامی؛ شناسایی و بهره‌گیری از ظرفیتهای و همکاریهای دستگاههای دولتی، عمومی و مردمی؛ رصد دائمی فعالیتهای محصولات و تولیدات فرهنگی سطح استان و ارزیابی پیامدها و آثار مثبت و منفی آنها در وقوع جرم و انحرافات اجتماعی و ارائه راهکار و اقدام مناسب برای تاثیرگذاری مثبت آنها؛ به‌فعلیت رساندن ظرفیتهای قضایی استان در امر نظارت بر حسن اجرای قوانین در دستگاه‌های اجرایی با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم؛ جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل مستمر آمار و اطلاعات مربوط به جرائم، دعاوی و آسیبهای اجتماعی و ارائه به مراجع ذیربط؛ هماهنگی جهت افزایش آگاهی عمومی در پیشگیری از وقوع جرم؛ ایجاد هماهنگی و تعیین اولویتهای کاری سازمانهای مسئول در حوزه پیشگیری و نظارت بر عملکرد آنان؛ شناسایی، سازماندهی و بهره‌گیری از ظرفیتهای مردمی و نهادهای مدنی و به‌کارگیری در امر پیشگیری از وقوع جرم؛ بررسی راه کارهای جامعه‌پذیری محکومان و مجرمان آزاد شده و مراقبت از آنان در پیشگیری از تکرار جرم؛ جذب، آموزش، سازماندهی و به‌کارگیری موثر هسته‌های مردمی در امر پیشگیری و نظارت مستمر.»

سوای از تشکیل این معاونت با زیرمجموعه ساختار اداری تقریباً توسعه یافته‌ای که اشاره شد و همچنین شرح وظایف بسیاری گسترده‌ای که برای آن برشمرده شده، با اینحال، مسئول وقت این معاونت چهار سال بعد از آن، از ضرورت تاسیس «پژوهشگاه پیشگیری از وقوع جرم» سخن می‌گوید که باز هم اشاره به ضرورت افزودن یک نهاد بر نهادهای موجود دیگر دارد که متخصصین علوم سیاسی از آن به «اوردوز نهادی» یاد می‌کنند (اشتریان، ۱۴۰۰).

¹ institutional overdose

در کنار این میل بیش از حد به ایجاد نهادهایی که بعضاً موازی یکدیگرند، در این مورد شاهد تکرار یک بلیه دیگر در نظام حکمرانی ایرانی نیز هستیم که همانا «تورم قانونگذاری» و «تولید انبوم قانون» است (انگک، ۱۳۸۶: ۱۹۳). هر جا کارکرد یا وظیفه‌ای انجام نمی‌شود و یا بهره‌وری و بازده موثر ندارد، به جای آنکه عملکرد آسیب‌شناسی بشود و ناکارآمدی‌ها برطرف گردد، سریعاً به تصویب دوباره قانون یا افزایش کمی قوانین و آییننامه‌ها متوسل میشوند. مثلاً برنامه پنجم توسعه کشور صداوسیما را مکلف به پیشگیری از جرم (احتمالاً با تولید برنامه‌های آموزشی و فرهنگی) کرده است (صبح دل، ۱۳۹۶: ۱۰). در اینجا نیز لایحه «پیشگیری از وقوع جرم» توسط قوه قضائیه به مجلس ارائه می‌شود که در نهایت در بیستم مهرماه سال ۱۳۹۴ با اصلاحاتی در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب می‌گردد. جالب اینجاست که با تصویب این قانون از دو جهت ساختار دچار تورم می‌گردد: هم از جهت تورم قانونگذاری؛ و هم تورم نهادی؛ چرا که ماده دوم این قانون تشکیل «شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم» را تکلیف می‌کند.

اعضای شورای فوق‌الذکر عبارت‌اند از: «رئیس قوه قضائیه (رئیس شورا)؛ معاون اول رئیس‌جمهور (نائب رئیس)؛ نائب رئیس اول مجلس؛ معاون اول رئیس قوه قضائیه؛ دادستان کل کشور؛ رئیس سازمان بازرسی کل کشور؛ وزیر کشور و اطلاعات و دادگستری و فرهنگ و اقتصاد و آموزش و پرورش؛ معاون حقوقی رئیس‌جمهور؛ فرمانده نیروی انتظامی؛ فرمانده نیروی مقاومت بسیج؛ رئیس صداوسیما؛ رئیس دیوان محاسبات؛ رئیس کمیسیون قضائی مجلس؛ رئیس کمیسیون اصل نود؛ رئیس سازمان زندانها؛ رئیس ستاد امر به معروف؛ وزیر یا رئیس نهاد ذی‌ربط حسب موضوع به تشخیص رئیس شورا؛ یکی از معاونان رئیس قوه قضائیه به انتخاب ایشان به عنوان دبیر شورا.»

ماده یکم از این قانون تعریفی بسیار ساده و البته همه‌شمول از پیشگیری از جرم ارائه کرده به نحوی که مصادیق بسیاری را شامل می‌گردد: «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن.» این تعریف اگرچه بسیار عام است، اما به همان اندازه هم دارای ابهام و ایهام است چرا که مفاهیم آن به دقت و در حالت اجرایی و کاربردی تعریف نشده، مثلاً، منظور از «اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم» مشخص نیست که در کدام یک از رویکردهای پیشگیری از جرم بایستی این اقدامات اتخاذ گردد.

ریاست وقت معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه، محمدباقر الفت، در طی یک سخنرانی برای این نهاد چهار وظیفه پیشگیرانه تعریف کرده که طبق اعلام ایشان جمع‌بندی تحقیقات این معاونت در مورد تمامی ابعاد جرم است: «پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی؛ پیشگیری‌های وضعی؛ پیشگیری‌های امنیتی و انتظامی؛ پیشگیری‌های قضایی؛ و پیشگیری‌های مردمی و مشارکتهای مدنی.» آشکارا پیداست که در این تقسیم‌بندی، همان

رویکردی که در تعریف اقدامات پیشگیرانه در ماده یکم قانون فوق‌الذکر دنبال شده، مدنظر قرار گرفته، یعنی آنکه با نگاهی همه‌شمول و بی‌آنکه قانونگذار و ساختار بوروکراسی خود را موظف بداند از بین رویکردها یکی را مرجح بدارد، صرفاً به دنبال نگاهی فراگیر است تا همه موارد را در بر بگیرد به این امید که از یک سوی بتواند از مزایای همه موارد بهره‌مند گردد؛ و هم اینکه انتقادی وجود نداشته باشد، چرا که پاسخ این است که همه موارد در نظر گرفته شده است. با اینحال، با بررسی مجموعه اقداماتی که توسط این معاونت انجام شده به نظر می‌رسد که به رغم تعاریف همه‌شمولی که از پیشگیری ارائه شده، اما وزن اقدامات انجام شده به سمت پیشگیری اجتماعی سنگینی میکند.

ترک فعل در پیشگیری از جرم

با توجه به وظایفی که در اصل فوق‌الذکر قانون اساسی برای قوه قضاییه در باب پیشگیری از جرم در نظر گرفته شده، این سوال طرح می‌شود که ترک این افعال از سوی قوه قضاییه جرم تلقی می‌گردد یا که خیر. فرضاً آیا کسی می‌تواند بابت اعتیاد فرزندش از قوه قضاییه شکایت کند که چرا اقدامات لازم برای پیشگیری از جرم را انجام نداده؟ ایده تحمیل مسئولیت‌پذیری به اشخاص حقوقی از قدیم الایام در نظامهای حقوقی مطرح بوده، لیکن این ایده در مورد مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی از جنبه جبران خسارت و تقصیر مورد استقبال اکثر نظامهای حقوقی مدرن قرار گرفته، ولی این اندیشه در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص مذکور با واکنشهای متفاوتی مواجه بوده؛ چرا که امکان متناسب نمودن قصد مجرمانه و اجرای مجازات کیفری از جمله مجازات حبس و مانند آن به اشخاص حقوقی قابل تصور نمی‌باشد. معهدا برخی از کشورهای پیشرو در نظام حقوقی خود، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته و بر اساس آن عمل میکنند.

بر اساس قوانین موضوعه داخلی دولتها از جمله ایران، اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی از حقوق و تکالیفی برخوردارند. امروزه علاوه بر مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی، سیاست کیفری هم در مورد اعمال ناهنجار و مجرمانه‌شان مورد توجه است. البته این ایده از ابتدا مخالفانی در بین حقوقدانان داشته است. مخالفان با توسل به دلایلی از جمله عدم امکان تحمیل برخی مجازات‌ها (مانند حبس، اعدام و شلاق) بر اشخاص حقوقی، عدم دستیابی به اهداف مجازات، نقض اصل شخصی بودن مجازات و عدم امکان اسناد رکن معنوی جرایم به اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را امکان‌پذیر نمی‌دانستند.

موافقان نیز با آوردن دلایلی چون امکان تحمیل مجازات‌هایی متفاوت از مجازات‌های اشخاص حقیقی بر اشخاص حقوقی همچون انحلال، و تعطیلی موقت، تحمیل رنج مجازات بر تمام افراد تشکیل‌دهنده شخص حقوقی و قابلیت دستیابی به اهدافی همچون بازدارندگی و ارعاب در مجازات اشخاص حقوقی، وجود روح جمعی در اشخاص حقوقی و امکان اسناد

رکن معنوی بعضی از جرایم به آنها و عدم امکان پیشگیری از اعمال غیر قانونی اشخاص حقوقی با مجازات کردن تنها مدیران و رؤس آنها، معتقد به قابلیت شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی بودند.

وفق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برای محقق شدن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شرایطی پیش بینی شده است. همان طور که معلوم است، از میان مبانی مختلف مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که در نظام های کیفری مختلف مورد پذیرش است، این نهاد در قانون مجازات اسلامی ایران با تحقق ضابطه نمایندگی حاصل می شود و برای آن علاوه بر این که شخص حقیقی که مرتکب جرم می شود باید عنوان نمایندگی شخص حقوقی مسئول را داشته باشد، لازم است نماینده جرم را به نام شخص حقوقی یا در راستای منافع آن مرتکب شده باشد. مطلب دیگر حائز اهمیت آن است که، با توجه به ماهیت اشخاص حقوقی چه جرایمی از طرف آنها قابل ارتکاب است؟

ارتکاب هر نوع رفتار مجرمانه ای توسط اشخاص نیاز به تحقق عنصرمادی آن جرم است، اما اشخاص حقوقی فاقد وجود عینی و ملموس هستند، و اصولاً امکان محقق شدن عنصر مادی جرم از جانب این اشخاص امکان ندارد و بالتبع آن عنصر معنوی جرم را دارا نمی باشند. رویکرد حقوق کیفری در افعال مجرمانه مبتنی بر مسئولیت کیفری فردی است. علت وجودی حقوق کیفری، تعاریف و ارکان جرم، مسئولیت کیفری و عوامل تأثیرگذار بر آن و کیفیت اجرایی مقررات کیفری از جمله مواردی هستند که بیشتر از جنبه فردی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. در این رویکرد، منتسب نمودن ارتکاب جرم به اشخاص حقوقی و تحمیل مسئولیت کیفری به آن ها با مشکلاتی مواجه خواهد شد. لکن باید اذعان داشت که تاکید بر تقصیر یا قصور و خطایای انسانی در مورد اشخاص حقوقی نمی تواند منطقی و قابل قبول باشد، زیرا اشخاص حقوقی را باید از منظر ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار داد نه با رویکرد فردی و انسانی. تاریخ گواه این است که انسان ها خطا کارند و معمولاً اجتناب از آن امکان پذیر نمی باشد. امروزه اکثر حوادثی که در عرصه فعالیت اشخاص حقوقی به وقوع می پیوندد را نمی توان اشتباهات فردی محض در نظر گرفت، بلکه عوامل پیدا و نا پیدایی وجود دارد که می بایست با دقت مورد بررسی قرار گیرند. به عبارت دیگر، ارتکاب جرم در اشخاص حقوقی را نمی توان با تقصیر و یا قصور انسانی مقایسه نمود، زیرا در این اشخاص نارسایی های مانند قصور و سهل انگاری مدیریتی و ارتباطی، نارسایی روش ها، سازمان پیچیده و متداخل و مانند آن، از اهمیت بسزایی برخوردارند و توجه به شرایط و یا ساختاری که رفتارهای نابهنجار و مجرمانه به وقوع پیوسته است، در اولویت قرار دارد.

همانطور که بیان شد منتسب نمودن جرم به اشخاص حقوقی و تحمیل مسئولیت کیفری به آنها موانعی در پیش رو دارد. هر یک از نظام های حقوقی شناخته شده برای فائق شدن بر این

موانع راه حلی را ارائه کرده‌اند. در بعضی از کشورها از نظریه «مغز متفکر» تبعیت می‌نمایند، یعنی عمل ارکان و نمایندگان اصلی شخص حقوقی را به مثابه عمل شخص حقوقی تلقی نموده و وقوع جرم را به شخص حقوقی منتسب می‌نمایند. این ایده مبتنی بر رویکرد فرضی بودن اشخاص حقوقی بنا شده و به همین جهت تحمیل مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی به خودی خود و بی‌واسطه جایگاهی ندارد و بلکه اشخاص حقوقی، از طریق نمایندگان فردی خود مرتکب جرم می‌شوند و لذا این نظریه در پی محرز شدن تقصیر کیفری فردی و منتسب نمودن آن به شخص حقوقی می‌باشد. به این نظریه، نظریه شناسایی هم گفته شده است.

نظریه دیگری که در برخی از کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است نظریه «مسئولیت مافوق یا مسئولیت کارفرما» است که می‌گوید اگر در اثر فقدان نظارت و یا عدم مدیریت صحیح بر زیردستان جرمی به وقوع بپیوندد، به گونه‌ای که مجموعه ساختار و رویه شخص حقوقی را بتوان در ارتکاب این جرم مقصر دانست، شخص حقوقی به خاطر جرمی که کارکنانش مرتکب شده‌اند، مسئولیت کیفری خواهد داشت. نقطه قوت این ایده در این است که شخص حقوقی برای برون رفت از عواقب قصور در اعمال مدیریت و نظارت، لاجرم خود را مقید می‌کند بر افعال زیردستان و بر ساختار شخص حقوقی نظارت کافی را اعمال نماید، زیرا در صورت تخطی از آن و بروز حادثه و یا وقوع جرمی، مسئولیت کیفری و مدنی را برای شخص حقوقی در پی خواهد داشت.

لذا با توجه به نظریات مختلفی که در باب مسئولیت شخصیت حقوقی وجود دارد و از سویی دیگر در این باره اجماعی بین حقوقدانان نیست، و سنت حقوقی در ایران نیز به ویژه در حقوق عمومی چندان نسبت به این موضوع التفاتی نداشته، بنابراین می‌توان گفت که شاید وظایفی که قانون اساسی برای قوه قضاییه درباره پیشگیری از جرم در نظر گرفته صرفاً جنبه ارشادی داشته باشد. یا این که ارشادی نباشد، ولی عجزاً تئوری حقوقی قابل توجهی در باب ترک فعل آن، یا قصور و تقصیر در انجام آن توسط قوه قضاییه وجود ندارد که بواسطه آن بتوان در باب مسئولیت کیفری و حقوقی ترک فعل سخن گفت.

نتیجه گیری

عدالت و استیفای حق یکی از مبانی هر جامعه سالم و موفق است. شهروندان هر جامعه‌ای انتظار دارند که مورد ظلم واقع نشوند و حقوق طبیعی‌شان مصون از تعرض باشد. به همین دلیل، نظامهای حقوقی از یک سو سازوکارهای استیفای حق را فراهم میکنند، و از سویی دیگر،

¹ Brain theory

در این چند دهه گذشته، این بحث را پیش برده‌اند که اساساً چگونه می‌توان مانع از بزه‌دیده شدن و بزه‌کار شدن افراد شد. در اینجا است که بحث پیشگیری از جرم طرح می‌شود. پیشگیری از جرم در قانون اساسی ج.ا. محل توجه و التفات بوده و در بند پنجم اصل ۱۵۶ به آن پرداخته‌اند. با اینحال اگرچه این تکلیف برای قوه قضائیه در نظر گرفته شده بوده اما تا سال ۱۳۸۹ و تاسیس معاونت مربوطه این مهم چندان در دستور کار این قوه نبوده است. متعاقب تاسیس این معاونت لایحه پیشگیری از جرم هم به مجلس ارائه شده که با تصویب صورت قانون به خود گرفته است.

سوی از این تحولات نهادی و قانونی، چیزی که جالب توجه است رویکردهای اتخاذی است. رویکردهای پیشگیرانه در نظامهای حقوقی جهان متفاوت و مختلف است ولی در قوه قضائیه ج.ا. اولاً تلاش شده تا رویکردی فراگیر که جامع همه راهبردها باشد اتخاذ گردد. سوی از آن اقدامات انجام شده نشان می‌دهد که بیشتر بر پیشگیریهای اجتماعی از جرم متمرکز شده‌اند. شاید دلیل این تمرکز بر پیشگیری اجتماعی برآمده از ماهیت دولت پسانقلابی در ایران باشد که اصولاً دولتی دینی است و رهیافتهای آموزشی-فرهنگی را در همه حوزه‌ها در اولویت قرار می‌دهد.

با این حال، بررسی روند اقدامات و تدابیر مأخوذه برای اجرایی‌سازی این اصل مهم در قانون اساسی نشان می‌دهد که گونه‌ای آشفتگی و فقدان وحدت رویه مشاهده می‌شود. تمایل زیاد برای تاسیس و تشکیل نهادهای موازی - مثل معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه و شورای عالی پیشگیری از جرم؛ و همزمان ایجاد تکلیف برای نهادهایی مثل صداوسیما در راستای این اهداف پیشگیرانه - از یک سو، و از سوی دیگر، تورم در قانونگذاری با تصویب قانون جدید، که قطعاً نیازمند بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های تکمیلی نیز خواهد بود، نشان می‌دهد که همان آسیبهای کلیت نظام حکمرانی در اینجا نیز قابل رصد و پیگیری است. آسیبی که با عنوان «اوردوز نهادی» از آن یاد می‌شود. تورم نهادها و آیین‌نامه و قوانین و عدم اتخاذ یک رویکرد منسجم و واحد در نهایت منجر به ناکارآمدی نسبی در پیشگیری از جرم می‌گردد.

استناد به این مقاله: پورشریعی، جواد، رضایی نژاد، ایرج، قربانی، علی. (۱۴۰۳). جایگاه قوه قضائیه در پیشگیری از جرم (با تاکید بر مسئولیت کیفری مقامات مافوق)، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۸(۶۸)، ۳-۱۸.



The Islamic Revolution Approach Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

منابع و مآخذ:

- احمدی مقدم، مصطفی، اسماعیلی، مهدی، و حاجی تبار، حسن. (۱۳۹۸). **مبانی پیشگیری از جرم در قانون اساسی ج.ا.ا. تحقیقات حقوقی بین المللی**، ۱۲(۴۶)، ۲۸۵-۳۰۶.
- اشتریان، کیومرث (۱۴۰۰)، شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱، **روزنامه شرق**، شماره ۲۷۵۶، مورخه ۱۲ دیماه ۱۴۰۰.
- انگ، سون (۱۳۸۶)، تورم قانونگذاری و کیفیت قانون، ترجمه و کیلیان، **فصلنامه مجلس و پژوهش** سال سیزدهم زمستان ۱۳۸۶ شماره ۵۴، صفحات ۱۹۱ الی ۲۱۰.
- تقی پور، علیرضا (۱۳۹۸)، پیشگیری غیرکیفری از جرم در قانون اساسی ج.ا.ا. **فصلنامه حقوق عمومی**، سال هشتم تابستان ۱۳۹۸ شماره ۲۴.
- توسلی، محمدحسن، و صادقی، محمد امین. (۱۳۹۴). **آموزه‌های اسلامی پیشگیری از جرم. بصیرت و تربیت اسلامی**، ۱۲(۳۲)، ۴۳-۷۳.
- خلج معصومی، امیرحسین، درودیان، مجید، و خیری، عیسی. (۱۴۰۲). **پیشگیری از فساد و تأثیرش بر سلامت اداری، ره یافت انقلاب اسلامی**، ۱۷(۶۳)، ۴۷-۶۶.
- ساریخانی، عادل، و سلطانی بهلولی، مریم. (۱۳۹۵). **نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم. مجله حقوقی دادگستری**، ۸۰(۹۴)، ۱۴۱-۱۵۴.
- رسولی آذر، اصغر (۱۳۹۴)، **پیشگیری از جرم، مجله پژوهشکده باقرالعلوم**، انتشار اینترنتی
- رشادتی، جعفر (۱۳۸۷)، **پیشگیری از جرم در قرآن**، تهران، نشر تحقیقات کاربردی
- صیح دل، محمد (۱۳۹۶)، **جایگاه حقوقی قوه قضائیه در پیشگیری از وقوع جرم**، تهران، قانونیار
- عظیم زاده، فائزه، و ملکزاده، فهیمه (۱۳۹۳)، **پیشگیری از جرائم در آموزه‌های قرآن. مطالعات فهم قرآن**، شماره ۲ (دو)، ۱۰۷-۱۲۶.
- علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۹۳)، **مدیریت پیشگیری از جرم در ایران. سیاست‌های راهبردی**، ۲(شماره ۸)، ۳۷-۵۸.
- قماش، سعید، و عارفی، مرتضی. (۱۳۹۶). **موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم. آموزه‌های حقوق کیفری**، ۱۴(۱۳)، ۸۵-۱۱۴.
- کانتینگام، جان (۱۳۸۴)، **فلسفه مجازات، مترجمان باطنی و برهانی، فصلنامه فقه و حقوق**، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۷۱-۱۴۷.
- کنراد، پیتر (۱۴۰۰)، **پزشکی شدن جامعه**، مترجم سادات بصیر، تهران، نشریار
- کوهی اصفهانی، کاظم؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ و فرجیها، محمد (۱۴۰۰)، **انتقال سیاستهای کنترل جرم؛ انتقال داوطلبانه یا اجباری؟، پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۵۴، صفحات ۶۰۵-۶۳۶.
- گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۹۳). **نقش دادستان در پیشگیری از وقوع جرم. فصلنامه تحقیقات حقوقی**، ۱۷(۶۶)، ۲۱۱-۲۲۳.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۴)، **کلیات پیشگیری از جرم**، تهران، میزان
- منجزی، کیومرث، محمدی، شهرام، بیژنی، طیبه، و فلاحی، احمد. (۱۴۰۰). **رویکرد اجتماعی مقابله با جرم در نظام قضایی ایران. ره یافت انقلاب اسلامی**، ۱۵(۵۷)، ۱۶۵-۱۸۴.
- منصورآبادی، عباس، و ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۷). **تحولات مدیریت پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم نیروی انتظامی**، شماره هشتم (۸)، صفحات ۶ الی ۳۸.
- میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۰)، **مدخل حقوق کیفری، در دائره المعارف بزرگ اسلامی**، تهران، انتشارات دبا
- نجفی ابرندآبادی، علیحسین، و ایارگر، حسین (۱۳۹۳). **نظارت بر مجرمان خطرناک، پژوهش حقوق کیفری**، ۲(۶)، ۹-۳۷.
- Moore, Michael S. "1. THE MORAL AND METAPHYSICAL SOURCES OF THE CRIMINAL LAW". **Criminal Justice: Nomos XXVII**, edited by Ronald Pennock and John W. Chapman, New York, USA: New York University Press, 1985, pp. 11-51. <https://doi.org/10.18574/nyu/9780814768877.003.0006>
- Ahmadimoghadam, M., Esmacili, M., & Hajitabar, H. (2019). The foundations of crime prevention in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *International Legal Studies*, 12(46), 285-306 {in Persian}.
- Eshtarian, K. (2021). The Supreme Council of the Islamic Revolution. *Shargh Newspaper*, Issue 2756, December 12, 2021 {in Persian}.
- Eng, S. (2007). Legislative inflation and the quality of law. Translated by Vakilian. *Majles and Research Quarterly*, 13(54), 191-210 {in Persian}.
- Taghipour, A. (2019). Non-penal crime prevention in the Constitution of the Islamic Republic. *Public Law Quarterly*, 8(24), Summer 2019 {in Persian}.
- Tosali, M. H., & Sadeghi, M. A. (2015). Islamic teachings on crime prevention. *Insight and Islamic Education*, 12(32), 43-73 {in Persian}.
- Khalaj Masoomi, A., Dorudian, M., & Khayri, I. (2023). Prevention of corruption and its impact on administrative health. *Approach of the Islamic Revolution*, 17(63), 47-66 {in Persian}.
- Sarikhani, A., & Soltani Behloulou, M. (2017). The role of the executive branch in social crime prevention. *Judiciary Legal Journal*, 80(94), 141-154 {in Persian}.

- Rasouli-Azar, A. (2015). Crime prevention. *Baqir al-Uloom Research Institute*, online publication {in Persian}.
- Roshadi, J. (2008). Crime prevention in the Qur'an. Tehran: *Applied Research Publications* {in Persian}.
- Sobhdel, M. (2017). The legal status of the judiciary in crime prevention. Tehran: *Ghaavanyar* {in Persian}.
- Azimzadeh, F., & Melikzadeh, F. (2014). Crime prevention in Islamic teachings. *Quranic Understanding Studies*, 2(2), 107-126 {in Persian}.
- Ali Vardinia, A. (2014). Crime prevention management in Iran. *Strategic Policies Journal*, 2(8), 37-58 {in Persian}.
- Ghameshi, S., & Arafai, M. (2017). Political and economic obstacles to social crime prevention. *Criminal Law Teachings*, 14(13), 85-114 {in Persian}.
- Cunningham, J. (2005). *Philosophy of punishment*, translated by Batni and Borhani. *Jurisprudence and Law Quarterly*, 1(4), Spring 2005, 147-171 {in Persian}.
- Conrad, P. (2021). *Medicalization of society* (trans. S. Basir). Tehran: *Nashriyar* {in Persian}.
- Koohi-Isfahani, K., Najafi-Abrand Abadi, A. H., & Farajihia, M. (2021). Crime control policies: Voluntary or mandatory transfer? *Islamic Law Journal*, 54, 605-636 {in Persian}.
- Goldoost Joibari, R. (2014). The role of the prosecutor in crime prevention. *Legal Research Quarterly*, 17(66), 211-223 {in Persian}.
- Mohammad Nasl, G. (2015). *Overview of crime prevention*. Tehran: *Mizan* {in Persian}.
- Manjazi, K., Mohammadi, S., Bijani, T., & Fallahi, A. (2022). A social approach to crime prevention in the Iranian judicial system. *Approach of the Islamic Revolution*, 15(57), 165-184 {in Persian}.
- Mansourabadi, A., & Ebtehaj, S. (2008). Changes in crime prevention management. *Police Crime Prevention Quarterly*, 8, 6-38 {in Persian}.
- Mirkhaleeli, S. M. (2001). *Introduction to criminal law*, in *The Encyclopedia of Islam*, Tehran: *Dbi Publications* {in Persian}.
- Najafi-Abrand Abadi, A. H., & Iyar, H. (2014). Supervision of dangerous criminals. *Criminal Law Research Journal*, 2(6), 9-37 {in Persian}.
- Moore, M. S. (1985). *The moral and metaphysical sources of the criminal law*. In R. Pennock & J. W. Chapman (Eds.), *Criminal Justice: Nomos XXVII* (pp. 11-51). New York: New York University Press. <https://doi.org/10.18574/nyu/9780814768877.003.0006>